

بازداشت موقت در سیاست جنایی ایران؛ توجیه و نقد

علی فخر آبادی^۱

* نوع مقاله: پژوهشی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۸ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۴

کد مقاله: JHVMN-2406-1221

چکیده

بدون شک می توان گفت اصل برائت بارزترین جلوه عدالت کیفری است که مورد پذیرش سیاست جنایی کشورهای مختلف قرار گرفته است. یکی از آثار اصل فوق عدم اعمال مجازات پیش از انجام یک دادرسی منصفانه است در واقع مطابق اصول مسلم حقوق جزا، مجازات را به فردی می توان تحمیل نمود که مرتکب جرم شده باشد فلذا متهمی که برای وی قرار بازداشت موقت صادر شده به نوعی مجازات زودهنگام بر وی تحمیل خواهد شد. از سوی دیگر قرار بازداشت موقت به عنوان یکی از قرارهای تامین کیفری مطمئن ترین سازکاری است که تضمین کننده حضور متهم در تمام مراحل دادرسی کیفری تا صدور حکم قطعی و همچنین مقابله با حالت خطرناک بعضی از متهمین، مورد پیش بینی قرار گرفته است علی رغم محاسنی که برای قرار توقیف احتیاطی (بازداشت موقت) برشمرده شده بایستی حدالمان از صدور چنین قراری بدلیل مخالفت با اصول و آزادی های فردی خودداری شود و به سایر قرارهای تامین کیفری اکتفا نمود.

واژگان کلیدی: بازداشت موقت، تأمین کیفری، قرار قضایی، نظارت قضایی.

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم شناسی، گروه حقوق، دانشکده حقوق، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران. (نویسنده مسئول)



مقدمه

بخش مهمی از تاریخ زندگی بشر ستم هایی است که حکمرانان زورگو بر مردم روا داشته اند. قربانیان این جنایات در پی آن بوده اند تا چاره ای بیابند و بوسیله آن از خودکامگی بکاهدند و آزادی های فردی خود را تضمین ببخشند (کاتوزیان، ۱۴۰۱). مکاتبی همچون مکتب حقوق فطری را که بخش عمده ای از مبنای حقوق را شکل می دهد به عنوان بارزترین مصداق اینگونه راه حل ها میتوان برشمرد. آیین دادرسی کیفری به عنوان یکی از مهمترین شاخه های حقوق عمومی و علوم سیاسی جنایی حقوقی نقش مهمی را در روند رسیدگی به دعوا کیفری ایفا می کند. این قانون ضمن تضمین آزادی های فردی، جلوگیری از اقدامات خود سرانه مقامات صالح، دستورات آنان را نیز ضابطه مند و در چارچوب قانون تعریف می نماید. حقوق متهمی که در سایه اصل برائت به سر می برد اقتضا می کند تا زمانی که مجرمیت وی در دادگاه صالح به اثبات نرسیده به آزادی و حریم شخصی وی خللی وارد نشود این اصل مهم در اصل سی و هفتم قانون اساسی ایران مورد توجه قرار گرفته است. از طرفی مجازات در پاسخ به رفتاری است که جرم نامیده می شود معنی پیدا میکند (اردبیلی، ۱۴۰۰) به عبارتی زمانی میتوان مجازات را به فردی تحمیل نمود که مجرمیت وی اثبات شده باشد و تا قبل از آن نمیتوان آزادی های فردی افراد را مختل نمود. البته ناگفته پیداست که نمیتوان در اعمال قانون تنها آزادی های فردی را ملاک قرار داد و چنان مبالغه شود تا حقوق جامعه به فراموشی سپرده شود. بازداشت موقت به عنوان یکی از قرارهای تامین کیفری راهکاری است برای تضمین دسترسی به متهم و حتی حفظ جان او از اعمال اقدامات تلافی جویانه و انتقام جویی بزه دیده که در سیاست جنایی همه کشورها مورد توجه مقنن قرار گرفته است. مع الوصف علی رغم محاسنی که برای این قرار شمرده شده است، دلیل جنبه شبه مجازات آن ناقض یکی از مهمترین اصول حقوق کیفری یعنی اصل برائت است. مطلبی که بطور قطع میتوان بیان داشت آن است که نه میتوان بطور کلی خواهان حذف قرار بازداشت وقت از قوانین شد و نه دامنه آن را به حدی گسترش داد که مقام صالح بتواند در صدور آن سلیقه شخصی خود را به کار ببرد در واقع همانطور که گفته شده است، مسیر اجرای ضوابط و مقررات آیین دادرسی کیفری عرصه تقابل میان حقوق و آزادی های فردی با ضرورت حفظ نظم و امنیت اجتماعی است به نحوی که چرخش و تمایل به یک طرف جز با تنه زدن به طرف مقابل مقدور نیست اما مقررات آیین دادرسی کیفری باید به گونه ای تنظیم شود که ضمن رعایت تعامل و تعادل این دو مقوله، ثمره آن تضمین امنیت جامعه با رعایت حقوق و آزادی های فردی باشد (طهماسبی، ۱۳۹۸) در این تحقیق سعی بر آن



شده است تا ضمن تعریف و پیشینه، رویکرد قانونگذار ایران را در ضابطه مند نمودن قرار بازداشت موقت را بازشناسیم.

۱- پیشینه شناسی

در ایام باستان با توجه به اینکه مجازات ها غالبا از نوعی بدنی بوده اند و کیفر حبس در آنها به چشم نمی خورد، اعمال مجازات حبس به معنای امروزی مربوط به حالت پیش از اجرای مجازات بود به عبارتی در آن زمان کیفری به عنوان حبس پیشبینی نگردیده و صرفا مجرم را پیش از اجرای مجازات های بدنی در حبس نگاه می داشتند. در قرون وسطی نیز با توجه به حاکمیت نظام تفتیشی، بازداشت های قبل از محاکمه یعنی زمان انجام تحقیقات از رویه های معمول بود. حتی در کشورهایی که در این خصوص مقررات مدون داشته اند، بازداشت قبل از محاکمه در این مقررات مورد تاکید بوده است. از جمله به موجب فرمان بزرگ اوت (۱۹۶۰) فرانسه که به دستور لوئی چهاردهم تدوین شده بود، بازداشت متهمان مرسوم و آزادی آنان قبل از محاکمه امری استثنایی بود (آشوری، ۱۳۷۵).

در نظام حقوقی اسلام، مطابق اصل اولیه عدم جواز بازداشت، بازداشت موقت در موارد بسیار محدودی اشاره شده است که نشان دهنده حساسیت فقها برای اعمال چنین مقرره ای و توجه آن در موارد ضروری است. برای مثال در روایتی که سکونی از امام صادق (ع) نقل می کند با این مضمون: یعنی اینکه پیامبر (ص) در اتهام قتل عمد متهم را به مدت شش روز حبس کرد تا اگر اولیاء دم مقتول تا پایان این مدت بینه ارائه دادند طبق قواعد رسیدگی شود و در غیر اینصورت، در پایان مدت شش روز آزاد می گردد. (الکلینی الراضی، ۱۴۳۰) هر چند شهید ثانی روایت مذکور را ضعیف دانسته و معتقد است که چنین حبسی یک مجازات زود هنگام است که موجب آن ثابت نشده و بایستی از آن پرهیز شود. (شهید ثانی، جلد ۱۰)

در نخستین قانون آیین دادرسی کیفری ایران ذیل عنوان «قانون اصول محاکمات جزایی» مصوب (۱۲۹۱) به موجب بند (۴) ماده (۱۲۹) این قانون، قرار توقیف احتیاطی یکی از چهار قرار بود که مستنطق می توانست برای جلوگیری از فرار یا پنهان شدن متهم صادر نماید. در قانون فوق، رعایت شرایط و ضوابط خاصی برای توقیف متهم توسط قانون مشخص نشده بود که تصویب اصلاحات بعدی به موجب ماده (۱۳۰) مکرر آن، قرار توقیف احتیاطی ضابطه مند شد و اعمال آن صرفا در جرایمی خاص و منوط به رعایت شرایطی شد. شرایطی همچون، در امور جنحه وقتی که متهم ولگرد باشد یا در هر موردی که آزاد بودن متهم ممکن باشد موجب امحاء آثار و دلایل جرم شود و



باعث تبانی متهم با سایرین گردد. از جمله ایرادات مزبور در قانون فوق، اعطاء اختیار وسیع قانون به مقام قضایی صالح برای صدور چنین قرارى بود. نکته حائز اهمیت دیگر آن است که تا آن زمان صدور قرار بازداشت موقت اختیاری و منوط به تصمیم قاضی بود اما با اصلاحات بعدی در تاریخ ۱۳۵۲/۱۱/۲ به موجب تبصره الحاقی به ماده (۱۳۰) مکرر صدور قرار بازداشت موقت را درباره کسانی که به اتهام سرقت یا کلاهبرداری و یا جعل و یا استفاده از سند مجعول مورد تعقیب قرار می گیرند، هرگاه دلایل و قرائن موجود دلالت بر توجه اتهام به آنان نماید و یک فقره سابقه محکومیت قطعی و یا دو فقره و یا بیشتر سابقه محکومیت غیر قطعی به علت ارتکاب هر یک از جرایم مذکور داشته باشند، الزامی می نمود. این رویه نه چندان صحیح بیشتر در قوانین متفرقه توسعه پیدا کرد تا اینکه به موجب ق.آ.د.ک (۷۸) به طور رسمی بازداشت موقت به دو نوع اختیاری و اجباری تقسیم شد. با توجه به توسعه غیر ضروری که در قانون مذکور نسبت به مصادیق قرار بازداشت موقت ایجاد شده بود در قانون جدید آیین دادرسی کیفری با حذف بازداشت موقت الزامی و نظام مند کردن بازداشت موقت اختیاری، سعی در رعایت این اصل شده که بازداشت قبل از محاکمه یک امر استثنایی است و باید به قدر ضرورت اکتفا شود و نباید تبدیل به یک قاعده گردد. (طهماسبی، ۱۳۹۸).

۲- اهداف، معایب و محاسن صدور قرار بازداشت موقت

بازداشت موقت، مهم ترین و شدیدترین قرار تامین کیفری است که مقام قضایی می تواند برای فردی که هنوز مجرمیت وی به اثبات نرسیده و بایستی آزادی های فردی وی رعایت شود، صادر نماید. در گفتارهای آتی ابتدا به بررسی اهداف و سپس به معایب و محاسن آن پرداخته خواهد شد.

۲-۱- اهداف قرار بازداشت موقت

از مهمترین اهدافی که می توان برای صدور قرار فوق برشمرد به شرح ذیل است:

۱. تضمین دسترسی به متهم در مرحله تحقیقات و سایر مراحل دادرسی کیفری تا قبل از صدور حکم قطعی.
۲. جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم برای فرار از مجازات تا زمان صدور حکم قطعی.
۳. به عنوان مجازاتی فوری برای تسکین خاطر احساسات عمومی، زیرا آزادی متهم در جرایم سنگین خاطر جامعه را آزار می دهد (زراعت، ۱۳۹۳).



۴. ایمن بودن متهم از خشم و تهدیدات بزه دیده یا کسانی که ممکن است با هدف انتقام گیری مرتکب اعمالی شوند (خزائی، ۱۳۷۷).

۲-۲- معایب قرار بازداشت موقت

همانطور که گفته شد، قرار بازداشت موقت به عنوان وسیله سلب آزادی متهم قبل از محکومیت او، مورد انتقادهای فراوانی شده است در ذیل به اهم این معایب بصورت مختصر اشاره خواهد شد:

۱. مجازات را فقط به شخصی می توان تحمیل نمود که مرتکب جرم شده و مجرمیت وی نیز وفق قانون نزد قاضی و در دادگاه صالح محرز شده باشد. بازداشت موقت در مرحله تحقیقات مقدماتی که هنوز اتهام به اثبات نرسیده، جنبه ی شبه مجازات دارد و مغایر با فرض برائت است که به موجب آن، اعمال مجازات پیش از انجام یک دادرسی منصفانه، همراه با سایر تضمین های قانونی دفاع، ممنوع است (آشوری، ۱۴۰۱).

۲. بازداشت موقت، هنگامی که فرد تبرئه شده یا از میزان مجازات پیش بینی شده در قانون یا مجازاتی که دادگاه برای عمل ارتكابی تعیین می کند، تجاوز کند، در واقع امری غیرقانونی (ناموجه) است (خزائی، اردبیلی، نجفی ابرندآبادی، پانزدهمین کنگره بین المللی حقوق جزا).

۳. اصل تساوی سلاح ها یکی از اصول مورد پذیرش در روند رسیدگی به یک دعوای کیفری است. در واقع دو طرف دعوای عمومی یعنی مقام تعقیب و متهم بایستی در جریان رسیدگی از وسایل و امکانات مساوی برخوردار باشند تا از موضع خود دفاع نمایند. این در حالی است که دادستان که در راس دادرسی و مقام تعقیب قرار دارد، از امکاناتی همچون ضابطان دادگستری برخوردار است و از این طریق میتواند به جمع آوری ادله علیه متهم بپردازد، متهم نیز با صدور قرار بازداشت موقت روانه زندان شده و با سلب رفت آمد وی، امکان جمع آوری دلایل له خود و ارائه آنها را از دست خواهد داد که این امر خلاف اصل تساوی سلاح ها محسوب می شود.

۴. صدور قرار بازداشت موقت از طرفی سبب افزایش «تورم جمعیت کیفری» شده که در علوم جنایی از منظر عملی مورد توجه قرار گرفته و از سوی دیگر صدور چنین قراری باعث ایجاد آثار سوء در متهم شده که چه بسا در آینده حکم برائت وی صادر شود. آثاری همچون ورود لطمه به حیثیت اجتماعی و موقعیت شغلی و خانوادگی او، در معرض بیماری های مسری و انحرافات اجتماعی قرار گرفتن، تحمل وضعیت بد زندان ها، تحمیل بار اقتصادی بر بودجه عمومی کشور و...



۵. قرار بازداشت موقت سبب ایجاد تاثیر منفی بر ذهن قاضی صادر کننده حکم خواهد شد. در عمل، گاه برخی قضات در هنگام بررسی کفایت امارات و قرائن ارتکاب جرم توسط متهم، نسبت به صدور شدیدترین قرار تامین در مورد او در مرحله تحقیقات مقدماتی، بی تفاوت نیستند و این امر در ارزیابی دلایل و قرائن مجرمیت و بی گناهی متهم دخالت داده و چنین کسی را نسبت به کسی که بازداشت نبوده، راحت تر مجرم می پندارند. حتی اگر هم دادگاه پس از پایان رسیدگی متوجه بی گناهی متهم شود، بعید نیست که برای زیر سوال نرفتن اقدام همکار خود در دادسرا در صدور قرار بازداشت متهم، وی را مجرم شناخته و محکوم نماید، اما در مرحله تعیین مجازات میزان مجازات او را به اندازه مدت بازداشت موقت او تعیین نماید (خالقی، ۱۳۹۸)

۲-۳- محاسن قرار بازداشت موقت

در مقابل معایب، برای بازداشت موقت محاسنی هم برشمرده شده است از جمله:

۱. قرار بازداشت موقت تضمین کننده حضور متهم نزد مقام قضایی است. به عبارتی دیگر با صدور قرار بازداشت موقت هر زمان که مقام قضایی حضور متهم را برای رسیدگی لازم بداند با اعلام روز و ساعت حضور وی به مقامات بازداشتگاه، وی تحت الحفظ نزد مرجع قضایی احضار کننده آورده خواهد شد.

۲. با صدور قرار بازداشت موقت از یک طرف سبب تسریع در روند رسیدگی به پرونده می شود و از سوی دیگر از تبانی متهم با مطلعان یا معاونان یا محو آثار یا اخفای ادله جرم در لحظات اولیه وقوع جرم، جلوگیری می نماید.

۳. چنانچه متهم دارای حالت خطرناک باشد یا زمینه و امکان جرم به نحوی باشد که آزادی او سبب تداوم عملیات مجرمانه سابق و یا ارتکاب مجدد جرم شود، بازداشت موقت راهکار مناسبی برای حذف این زمینه ها و جلوگیری از ارتکاب جرم محسوب میشود (طهماسبی، ۱۳۹۸).

۴. جلوگیری از اعمال فشار متهم بر بزه دیده برای منصرف نمودن وی از طرح شکایت علیه او.

۵. بازداشت موقت متهم گاه وسیله ای برای تامین امنیت او و مصون نگاه داشتن وی از انتقام بزه دیده یا بستگان اوست و بدین ترتیب، سلب موقت آزادی متهم به نفع او و برای کمک به اوست (خالقی، ۱۳۹۸).



۳- قرار بازداشت موقت در اسناد بین المللی

سازمان ملل متحد به طرق مختلفی سعی در حفظ حقوق و آزادی های فردی متهمان نموده است. دو اقدام مهم مجمع عمومی سازمان ملل، تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) است که دربردارنده ی حفظ حقوق و آزادی فردی انسان، همچون آزادی اشخاص و منع بازداشت خودسرانه و همچنین فرض برائت است. برای نمونه میتوان به مقررات استاندارد سسازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه ی نوجوانان که به مقررات پکن معروف است و موضوع قطعنامه شماره ۴۰/۳۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورخ ۱۹۸۵/۱۱/۲۹ قرار دارد، ماده ۱۳ خود را به این امر مهم اختصاص داده و به کشورهای عضو پیشنهاد می کند که:

۱. بازداشت موقت تنها به عنوان آخرین راه چاره و برای کوتاه ترین مدت زمان ممکن است به کار گرفته شود.

۲. در صورت امکان، اقدام های جایگزین از قبیل نظارت مستقیم، مراقبت دقیق یا نگهداری در یک خانواده یا محیط آموزشی یا خانه، به جای بازداشت موقت به کار گرفته شود.

ماده ۱۷ مقررات سازمان ملل متحد برای پشتیبانی از نوجوانان محروم از آزادی موضوع قطعنامه شماره ی ۴۵/۱۱۳ مجمع عمومی سازمان ملل مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰ نیز با عنوان «نوجوانان تحت توقیف یا در انتظار محاکمه» به شیوه ی رفتار با این گونه متهمان توجه کرده و حقوق لازم الرعایه ی آنان را در صورتی که بازداشت، یگانه راه حل ممکن باشد، برشمرده است (آشوری، ۱۴۰۱).

اما مهمترین مقررره ای که میتوان در این خصوص اشاره نمود و به نوعی قانونگذار ما نیز در تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ از آن بهره برده است و سبب تغییر بخشی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ شده است، بند ۳ ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی است که کشور ما نیز در سال ۱۳۵۴ به آن ملحق شده، با این عبارت که: «بازداشت اشخاصی که در انتظار محاکمه هستند، نباید به صورت یک قاعده کلی باشد...».



۴- قرار بازداشت موقت از منظر رویکرد فعلی قانون گذار ایران

قانونگذار ایران با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ گامی مهم درباره قرار بازداشت موقت برداشت که در ذیلا به توضیح هر یک پرداخته خواهد شد.

۴-۱- شرایط صدور قرار بازداشت موقت

قانونگذار با بازگشت از رویکرد قبلی خود، بار دیگر بازداشت موقت الزامی را حذف (البته بجز بازداشت موقت الزامی مربوط به جرائم نیروهای مسلح) و سعی در ضابطه مند نمودن آن نمود. مطابق ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری، قرار بازداشت موقت را به عنوان یکی از قرارهای تامین (اعدادی) شناخته شده که امکان صدور آن برای متهم پس از تفهیم اتهام وجود دارد. از آنجایی که قرار بازداشت موقت از منظر فقهی نیز جایگاهی ندارد، قانونگذار در صدر ماده ۲۳۷ ق.آ.د.ک به صراحت اصل را بر عدم جواز بازداشت موقت گذاشته است. از طرفی مقنن، بازداشت موقت را فقط در جرائم خاصی که در بندهای (الف) تا (ث) ماده ۲۳۷ ق.آ.د.ک بیان نموده، امکان پذیر دانسته و از سوی دیگر قرار مذکور، یک قرار قضایی است که توسط مقام قضایی صالح صادر میشود فلذا مستفاد از مواد ۲۳۷ و ۲۳۹ ق.آ.د.ک، بایستی این قرار مستدل، موجه و مستند به قانون باشد، دلایل، قرائن و امارات کافی بر توجه اتهام به متهم باشد و حق اعتراض مهمت به آن نیز در آن ذکر گردد تا بتوان صدور آن را موجه دانست. علاوه بر آن، باید حداقل یکی از شرایط مقرر در بندهای (الف) تا (پ) ماده ۲۳۸ ق.آ.د.ک مطرح باشد تا بتوان بازداشت موقت صادر کرد و این مورد نیز باید در متن قرار قید و تصریح شود (طهماسبی، ۱۳۹۸). همچنین قرار مذکور تنها قرار تامینی است که مستقلا برای متهم حق اعتراض در نظر گرفته شده است و بایستی پس از صدور فوری نزد دادستان ارسال گردد و در صورت مخالفت دادستان، پرونده برای حل اختلاف به دادگاه صالح ارسال می گردد (ماده ۲۷۱ ق.آ.د.ک).

۴-۲- نظارت و بازبینی قرار بازداشت موقت

همانطور که بیان شد، قرار بازداشت موقت در جرائم و با شرایط خاصی قابلیت صدور دارد. بر همین اساس و بر اساس اصل ممنوعیت صدور آن، مقنن با اشاره بر اینکه در صورت رفع ضرورت بازداشت موقت باید فک گردد در ماده ۲۴۱ ق.آ.د.ک مقرر داشته که: «هرگاه علت بازداشت موقت مرتفع شود و موجب دیگری برای ادامه آن نباشد، بازپرس با موافقت دادستان فوری از متهم رفع بازداشت می کنند...» از سوی دیگر ماده ۲۴۲ ق.آ.د.ک مدت زمانی را برای صدور این قرار مشخص نموده.



مطابق ماده مذکور: «هر گاه در جرایم موضوع بند های (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون تا دوماه و در سایر جرائم تا یک ماه به علت صدور قرار تامین، متهم در بازداشت بماند و پرونده اتهامی او منتهی به تصمیم نهائی در دادسرا نشود، بازپرس مکلف به فک یا تخفیف قرار تامین است. اگر علل موجهی برای بقای قرار وجود داشته باشد، با ذکر علل مزبور، قرار، ابقاء و مراتب به متهم ابلاغ می شود. متهم می تواند از این تصمیم ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ به دادگاه صالح اعتراض کند. فک یا تخفیف قرار بدون نیاز به موافقت دادستان انجام می شود و ابقای تامین باید به تایید دادستان برسد و در صورت مخالفت دادستان، حل اختلاف با دادگاه صالح است. فک، تخفیف، یا ابقای بازداشت موقت، باید به تایید دادستان برسد و در صورت مخالفت دادستان، حل اختلاف با دادگاه صالح است. هر گاه بازداشت متهم ادامه یابد مقررات این ماده، حسب مورد، هر دوماه یا هر یک ماه اعمال می شود. به هر حال، مدت بازداشت متهم نباید از حداقل مجازات حبس مقرر در قانون برای آن جرم تجاوز کند و در هر صورت در جرائم موجب سلب حیات مدت بازداشت موقت از دو سال و در سایر جرائم از یک سال تجاوز نمی کند».

موضوع اصلی این ماده به شرح مقرر در صدر آن، تعیین مدت برای بازداشت موقت همچنین، دیگر قرارهای تامین منجر به بازداشت است. اهمیت قرار مذکور از آنجایی که راجع به آزادی فرد است، ایجاب میکند که چنین پرونده هایی مدام بازبینی شوند و در بایگانی ها رها نشوند.

۴-۳- توجیه معایب بازداشت موقت از منظر قانون

قانونگذار ایران در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در مواد مختلفی راهکارهایی برای توجیه معایب بازداشت موقت پیش بینی نموده است که ذیلا به برخی از آنها پرداخته می شود.

همانطور که ذیل بحث معایب قرار بازداشت موقت اشاره شد، صدور این قرار می تواند باعث ایجاد تاثیرات منفی زندان و ناسودمندی آن و شکست «افسانه پزشکی» ای که مدعی «درمان مجرم» و نجات او از دست مجرمیت وی در زندان بود (آنسل، ۱۳۹۵) که در علوم جنایی مورد توجه صاحب نظران قرار گرفته بروی متهم شود. مقنن برای جلوگیری از این اقدام در ماده ۵۱۴ ق.آ.د.ک بیان نموده: «نگهداری محکومان و متهمان در یک مکان ممنوع است...» که این اقدام می تواند توجیهی برای جلوگیری از آثار و تبعات سوء زندان بر متهمی که هنوز مجرمیت وی ثابت نشده، باشد.

از سوی دیگر ممکن است متهم پس از صدور قرار بازداشت موقت و نگاهداری وی در زندان، حکم براءت وی صادر شود. قانونگذار با پیش بینی چنین حالتی سعی در جبران خسارات مادی که از این



طریق به متهم وارد شده نموده، همچنین ممکن است متهم در نهایت با صدور حکم محکومیت قطعی، به مجازات آن جرم محکوم شود که در چنین حالتی نیز بسته به ماهیت آن مجازات مدتی که مجرم در بازداشت بوده در مجازات قطعی وی احتساب شود. مستفاد از مواد ۲۷ ق.م.ا و ۱۵ ق.آ.د.ک، در صورتی که متهم پس از صدور حکم قطعی به زندان محکوم شد مدت بازداشت وی نیز از محکومیت او کسر می شود. در صورتی که مجازات مورد حکم شلاق تعزیری یا جزای نقدی باشد، به ترتیب هر روز بازداشت معادل ۳ ضربه شلاق و $1/000/000$ ریال کسر می‌گردد. اگر حکم محکومیت شامل مجازات جایگزین حبس شود، به ازای هر روز بازداشت قبلی، یک روز جزای نقدی روزانه، هشت ساعت خدمات عمومی و پنج روز از دوره مراقبت کسر می‌گردد.

مطابق ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ک اگر افراد به علت قرار بازداشت موقت، بازداشت شوند ولی پرونده به اثبات بی‌گناهی وی ختم شود، پس از صدور حکم برائت یا قرار منع تعقیب، اشخاص می‌توانند با رعایت ماده ۱۴ این قانون خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند.



نتیجه گیری

آیین دادرسی کیفری همانطور که صاحب نظران اشاره نمودند، از چنان اهمیتی برخوردار است که اگر همه ی حق بنامندش، بیراه نرفته اینم. زیرا احقاق حق و اجرای عدالت که تنها هدف غایی دستگاه قضایی است، در گروی رعایت همین مقررات است. به گونه ای که عدم رعایت آن ها، می تواند زمینه ی تحقق عدالت را از بین ببرد. در رهنمون گذر این مطالعه سعی بر آن شد ضمن بررسی یکی از مهمترین قرارهای تامین کیفری (اعدادی) که به نوعی ناقض مهمترین اصول حقوق بشری، یعنی آزادی، معایب و محاسن این قرار و همچنین جایگاه این قرار در سیاست جنایی ایران در آخرین اراده مقنن مصوب ۱۳۹۲ بازشناخته شد. با توجه به توضیحات ارائه شده می توان به این دستاورد رسید که علی رغم محاسنی که قرار بازداشت موقت دارد بایستی از صدور آن حداقلامکان خودداری شود زیرا ناقض برخی از اصول حقوق جزاست.



منابع

۱. کاتوزیان، ناصر، ۱۴۰۱، فلسفه حقوق، جلد اول، چاپ سوم، تهران، انتشارات گنج دانش.
۲. اردبیلی، محمد، ۱۴۰۰، کلیات حقوق جزا، چاپ ششم، تهران، انتشارات میزان.
۳. طهماسبی، جواد، ۱۳۹۸، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، انتشارات میزان.
۴. آشوری، محمد، ۱۳۷۵، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
۵. الکلینی، الرضا، محمدبن یعقوب، الکافی، شماره ۵، قم، موسسه دارالحدیث العلمیه و الثقافیه، مرکز للتباعه و النشر، ۱۴۳۰ ه. ق، ص ۳۷۰.
۶. شهید ثانی، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، دارالعلم الاسلامی، بیروت، جلد ۱۰، ص ۷۶.
۷. زراعت، عباس، ۱۳۹۳، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
۸. خزائی، منوچهر، ۱۳۷۷، فرایند کیفری، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش.
۹. آشوری، محمد، ۱۴۰۱، جایگزین های زندان، چاپ سوم، تهران، انتشارات مرکز نشر جهش.
۱۰. خزائی، منوچهر، اردبیلی، محمد، و نجفی ابرندآبادی، علی حسین، گزارش پانزدهمین کنگره ی بین المللی حقوق جزا، نشریه تحقیقات حقوقی شهید بهشتی، شماره ۱۷-۱۶، صص ۹-۴۸۶.
۱۱. خالقی، علی، ۱۳۹۸، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ چهلیم، تهران، انتشارات شهر دانش.
۱۲. آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه ی محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم، ۱۳۹۵.
۱۳. مصدق، محمد، ۱۴۰۱، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد.



Temporary detention in Iran's criminal policy; Justification and criticismAli Fakhr Abadi¹

Article code: JHVMN-2406-1221

Abstract

Undoubtedly, the principle of justification is the most prominent manifestation of criminal justice accepted by criminal policy of different countries. One of the effects of the above principle is the non-punishment before a fair hearing. In fact, the punishment can be imposed on a person who has committed a crime, so the defendant who has been issued temporary arrests was somehow early punishment. He will be imposed on him. On the other hand, temporary detention is one of the most reliable supplies that guarantees the presence of the accused in all stages of criminal hearing until the definitive verdict as well as the dangerous state of some defendants, despite the merits of the defendants. For the arrest of a precautionary (temporary detention), the perpetrators should not be refused to issue such an order due to opposition to the principles and freedoms of individual and other criminal supply appointments.

keywords: Temporary detention, criminal security, judicial order, judicial oversight.

¹PhD student of Criminal Law and Criminology, Law Department, Faculty of Law, Rafsanjan Branch, Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran. (Corresponding author) a.fakhrabadi20@gmail.com

